

مطالعه سرمایه‌های اجتماعی زنان در عربستان براساس نظریه پیر بوردیو؛ مطالعه موردی: رمان دختران ریاض

علی افزلی^۱

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

زینب قاسمی اصل

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت ۹۴/۱۲/۲. تاریخ پذیرش ۹۶/۳/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه سرمایه اجتماعی «پیر بوردیو»، رمان *دختران ریاض* اثر «رجاء الصانع» با بررسی جامعه‌شناختی کرده‌است. سعی نویسندگان بر آن بوده تا به این پرسش پاسخ دهند که سرمایه‌های اجتماعی زنان عربستان سعودی، چه وضعی داشته‌است؛ بدین منظور رمان *دختران ریاض* در چهار سطح سرمایه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نمادین بررسی شده‌است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سرمایه نمادین زنان در عربستان سعودی به شدت ضعیف است و بهره‌مندی زنان از این سرمایه اندک است و ریشه‌های ضعف این سرمایه، به مشکلات موجود در بخش سرمایه‌های اجتماعی برمی‌گردد. همچنین کنترل‌های اجتماعی که شکل روشن آن مردسالاری است، بزرگ‌ترین مانع پیش روی زنان برای بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی و درنهایت سرمایه نمادین است. سرمایه اقتصادی زنان نیز اگرچه در سطح مقبولی قرار دارد، در مواجهه با مشکلات اجتماعی نمی‌تواند یاریگر زنان باشد و به تولید سرمایه نمادین نمی‌انجامد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی ادبیات، بنات الریاض، رجاء الصانع، سرمایه اجتماعی، پیر بوردیو.

۱. مقدمه

درحالی‌که در رهیافت‌های سنتی، ادبیات، پدیده‌ای رمانتیک و رازآمیز و آفریده سرآمدها و نخبگان است و اساساً هنر و ادبیات را پدیده‌ای برتر از هستی و جامعه و زمان می‌شمارند، جامعه‌شناسی ادبیات تلاش می‌کند تا بسیاری از عناصر غیرزیبایی‌شناختی را که در شکل و محتوای آثار ادبی سهیم هستند، نشان دهد و به‌ویژه بر سهم عوامل اجتماعی و چگونگی و نوع محتوا یا شکل آثار ادبی تأکید دارد (فاضلی، ۱۳۷۴: ۱۱۰-۱۱۱). پیر بوردیو (Pierre Bourdieu) یکی از نظریه‌پردازانی است که به قابلیت‌های ادبیات در ترسیم اوضاع اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته‌است. این نوشتار با در نظر گرفتن قابلیت‌های نظریه بوردیو در حوزه مسائل اجتماعی، که بوردیو آن‌ها را زیر عنوان مجموعه عوامل سازنده سرمایه اجتماعی دسته‌بندی می‌کند، این رویکرد نظری را در حوزه جامعه‌شناختی انتخاب کرده و تحلیل رمان را در چهارچوب آن انجام داده‌است.

۱-۱. بیان مسئله

رمان دختران ریاض با جنجال‌های زیادی که در حوزه مشکلات زنان و حقوق اجتماعی آنان در جهان عرب به‌طور عام و در عربستان سعودی به‌طور خاص ایجاد کرد، مورد بسیار مناسبی برای برآورد کیفی وضع زنان در این کشور است. با توجه به نظریه بوردیو که شرح آن در ادامه نوشتار خواهد آمد، دغدغه این پژوهش، به دست آوردن تصویری روشن از وضع اجتماعی زنان در کشور عربستان است. توصیف این وضع به کمک یک رویکرد نظری و علمی، امکان بررسی‌های دقیق‌تر را در این زمینه هموار می‌سازد.

۱-۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های زیادی در مجموعه جامعه‌شناسی ادبیات و نقد اجتماعی تاکنون انجام شده که اشاره به آن‌ها از حوصله این نوشتار بیرون است، اما در بررسی رویکردهای مورد استفاده پژوهشگران، مشخص شد که نظریه پیر بوردیو باوجود استفاده در مباحث مربوط به علوم اجتماعی، در زمینه نقد ادبی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. بنابر تحقیقات نویسندگان، تاکنون دو مقاله نقد ادبی بر پایه این نظریه نوشته شده که هر دو متعلق به خانم صدف گل‌مرادی است. نخستین پژوهش با عنوان «نقد جامعه‌شناختی سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی زنان در رمان دل فولاد اثر منیرو روانی‌پور براساس نظریه انواع

سرمایه پیر بوردیو» به چاپ رسیده^۱ و پژوهش دوم با عنوان «نقد جامعه‌شناسانه سرمایه‌های زنان در رمان قصه تهمینه محمد محمدعلی براساس نظریه انواع سرمایه پیر بوردیو»^۲ منتشر شده است. با توجه به پژوهش‌های خانم گلمرادی که اتفاقاً هر دو در حوزه مسائل زنان انجام شده است، نویسندگان، این روش تحقیق را برای بررسی رمان دختران ریاض انتخاب کرده و تلاش دارند محتوای این رمان را - که همه شخصیت‌های اصلی‌اش را زنان تشکیل داده‌اند - بر این اساس بررسی کنند.

۳-۱. پرسش پژوهش

براساس نظریه پیر بوردیو، زنان عربستانی در رمان دختران ریاض، دارای کدامیک از انواع سرمایه هستند؟ و با توجه به زندگی‌شان، چه فرصت‌ها و تهدیدهایی برای سرمایه‌های اجتماعی آنان وجود دارد؟

۴-۱. روش تحقیق

روش تحقیق، رویکرد پیر بوردیو به موضوع سرمایه اجتماعی است. این رویکرد نقد اجتماعی، در مجموعه رویکردهای تحلیل محتوای کیفی قرار دارد. در این الگو، انواع سرمایه‌های اجتماعی که از نظر بوردیو چهار دسته هستند، شناسایی و تحلیل می‌شوند.

۲. معرفی رجاء الصانع

«رجاء عبدالله الصانع»، نویسنده و رمان‌نویس عربستانی در سال ۱۹۸۱ در شهر ریاض به دنیا آمد. وی دانش‌آموخته دندان‌پزشکی دانشگاه ملک‌سعود است و برای ادامه تحصیل در این رشته، به امریکا سفر کرد (العقیلی، ۱۴۲۶: ۲).

شهرت وی در داستان‌نویسی به دلیل نگارش رمان دختران ریاض و توجه ویژه‌ای است که به آزادی زنان در جامعه عربستان داشته است. زندگی در امریکا تجربه تازه‌ای برای او بود که از جامعه سنتی و سخت‌گیرانه عربستان، پا به دنیای مردم‌سالاری بگذارد و خود را در میان مردمی بیابد که شعار تساوی حقوق زن و مرد سر می‌دهند. رمان دختران ریاض خشم بسیاری از فقیهان و گروه‌های سنتی عربستان را برانگیخت که اتفاقاً اکثریت جامعه و نهادهای قدرت اجتماعی را در اختیار دارند. او را باید زبان گویای زن معاصر عرب

۱. فصلنامه نقد ادبی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۶۷-۱۹۱.

۲. دوفصلنامه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دانشگاه تهران، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۳-۴۱.

دانست. رجاء به سبب نگارش این رمان، یکی از نامزدهای جایزه ادبی دوبلین در سال ۲۰۰۹ شد و اثر جنجالی وی تاکنون به ۲۶ زبان زنده دنیا ترجمه شده است.

۳. خلاصه رمان دختران ریاض

دختری به اسم «موا» طی یک سال و در جمعه هر هفته، رایانامه‌ای به تمام کاربران اینترنت در عربستان سعودی می‌فرستد. او در این نوشته‌ها بخشی از زندگی چهار دوستش را با نام‌های «قمره، میشل، سدیم، لمیس» به تصویر می‌کشد. آدرس رایانامه قصه‌گوی «موا» Seerehwenfadh7et@yahoo.com است؛ یعنی «تفقاتی که رسوا می‌شوند، عیان می‌شوند».

نخستین رایانامه با نمایش ازدواج اجباری «قمره»، دانش‌آموخته ادبیات از دانشگاه سعودی، آغاز می‌شود. قمره با پسری به نام «راشد» ازدواج می‌کند و برای ادامه تحصیل همسرش در مقطع دکترای تجارت، همراه وی راهی شیکاگو می‌شود. قمره در همان آغاز زندگی‌اش، به دلیل بی‌مهری راشد، به او شک می‌کند و پس از مدتی متوجه رابطه‌اش با زنی ژاپنی به نام «کاری» می‌شود؛ این اختلاف سرانجام به طلاق می‌انجامد.

بخش دیگری از رایانامه‌ها به شخصیتی به نام «سدیم»، دانشجوی مدیریت، اختصاص دارد. سدیم از نوجوانی، نامزد پسری به نام ولید بوده، اما پس از ارتباط نزدیک سدیم با ولید در دوران نامزدی، ناگهان ولید وی را رها می‌کند و بلافاصله طلاقش می‌دهد. سدیم برای فراموشی این شکست، راهی لندن می‌شود. در آنجا با دانشجویی سعودی به نام «فراس» آشنا می‌شود و به او دل می‌بندد، ولی فراس پس از گذشت چهار سال رابطه با سدیم، با شخص دیگری ازدواج می‌کند و وی را که در اندوه مرگ پدرش به سر می‌برد، تنها می‌گذارد. فراس در پایان رمان باز می‌گردد و با وجود داشتن همسر و فرزند، به سدیم پیشنهاد ازدواج می‌دهد، اما سدیم به او پاسخ منفی می‌دهد و با پسرخاله‌اش، طارق، دانش‌آموخته رشته دندانپزشکی، ازدواج می‌کند.

زندگی «میشل»، موضوع بعدی رمان را تشکیل می‌دهد. او دانشجوی کامپیوتر است. میشل با پسری به نام «فیصل» قول و قرار ازدواج می‌گذارد، اما پس از گذشت یک سال، به دلیل مخالفت خانواده فیصل، این ازدواج سر نمی‌گیرد. پس از این شکست، میشل با موافقت خانواده، برای ادامه تحصیل راهی سان‌فرانسیسکو می‌شود؛ جایی که دایی وی

ساکن آنجاست. او مدت چهار سال در آنجا اقامت می‌کند و در این مدت، به پسردایی‌اش، «متی»، علاقه‌مند می‌شود، ولی خانواده‌اش با این ازدواج مخالفت می‌کنند. میشل پس از دومین شکست عاطفی، به همراه خانواده، به دبی می‌رود و در آنجا مشغول کار در تلویزیون می‌شود.

شخصیت آخری که در رایانامه‌ها به آن پرداخته شده، دختری به نام «لمیس» است. لمیس نسبت به سه دوست دیگرش، زندگی بهتری دارد و عامل زندگی سعادت‌مندانه وی، پدرمواد تحصیل کرده‌اش هستند. لمیس دانشجوی پزشکی است که با دانشجوی پزشکی دیگری به نام «نزار» آشنا می‌شود و با وی ازدواج می‌کند و زندگی بسیار موفقیت‌آمیزی را از سر می‌گذراند. سرانجام رمان با شرح کامل زندگی این چهار شخصیت در رایانامه‌هایی که هر جمعه ارسال می‌شود، پایان می‌یابد.

۴. پیر بوردیو

«پیر بوردیو»، جامعه‌شناس و مردم‌شناس برجسته، در سال ۱۹۳۰ در فرانسه به دنیا آمد. حوزه پژوهشی او بر دینامیک قدرت و انواع شیوه‌های انتقال قدرت در جامعه، در درون و بین نسل‌های مختلف تمرکز دارد. مهم‌ترین کتاب او با عنوان *تمايز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی* که به فارسی هم ترجمه شده را انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی (International Sociological Association)، ششمین کتاب جامعه‌شناسی تأثیرگذار قرن بیستم دانسته است. او در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۳ درگذشت. در میان شخصیت‌های روشن‌فکر و دانشگاهی فرانسه در قرن بیستم، پیر بوردیو بی‌شک بیشترین نفوذ فکری را دست‌کم در حوزه علوم اجتماعی داشته است و از این لحاظ شاید بتوان او را فقط با «کلود لوی استروس» (Strauss-Claude Lévi) مقایسه کرد؛ البته با این تفاوت اساسی که نفوذ لوی استروس در خارج از فرانسه بسیار محدودتر از بوردیو بوده و پایه‌های اندیشه استروسی — یعنی نظریه ساختاری در علوم اجتماعی — مدت‌هاست که قدرت خود را از دست داده است، درحالی‌که بیشتر دست‌اندرکاران و متفکران علوم اجتماعی امروز، بر آن‌اند که نظریه بوردیو، آینده‌درخشانی خواهد داشت و جریان‌های گسترده‌ای که از هم‌اکنون نیز در سراسر جهان با حرکت از مفاهیم بوردیویی، عرصه‌های بسیار متنوعی چون نقد ادبی و هنر و ورزش و سبک زندگی را موضوع مطالعه خود قرار داده‌اند، هنوز در ابتدای کار هستند (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

۵. نظریه سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی را به‌طور خلاصه می‌توان شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها و روابط و هنجارهایی دانست که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهند (چلبی، ۱۳۸۴: ۳). بوردیو در تعریف سرمایه اجتماعی می‌گوید: «سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از منابع فیزیکی و غیرفیزیکی که در دسترس فرد یا همگان قرار دارد و دارای شبکه ارتباطی نسبتاً بادوامی است که این ارتباطات را باید نهادینه کرد و این امر از طریق آشنایی‌های دوجانبه و محترم شکل می‌گیرد» (فیلد، ۱۳۸۵: ۲۳). در جای دیگر، بوردیو سرمایه اجتماعی را یگانه وسیله تشریح دارایی‌های اجتماعی می‌داند و آشکار می‌کند که افراد مختلف با سرمایه یکسان (اقتصادی و فرهنگی) بازده‌های مختلفی به دست می‌آورند که منتج از وسعت به‌کارگیری سرمایه گروهی آنان است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۹).

به‌طور کلی، سرمایه اجتماعی و بهره‌مندی از پارامترهای آن در بین افراد جامعه، شاخص مناسبی برای همبستگی و مشارکت اجتماعی در جامعه است؛ علاوه بر این، تأثیر این پدیده بر روابط اجتماعی از بُعد کمیت و کیفیت، و بهره‌مندی از امکانات و موقعیت‌های افراد، اثرگذار و قابل بررسی است (شربتیان، ۱۳۹۲: ۹۴).

یکی از ویژگی‌های بارز جامعه‌شناسی زبان بوردیو این است که ابزار نظری لازم را برای تحلیل نظام‌مند تولیدات نمادین مربوط به بافت‌های متمایز اجتماعی فراهم می‌آورد و سازکارهای تولید و مصرف مرتبط با این عرصه‌های متمایز را ارائه می‌دهد (ربانی‌خوراسگانی، ۱۳۸۸: ۱۵۵). بوردیو سرمایه اجتماعی را به چهار مؤلفه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نمادین تقسیم می‌کند:

۱-۵. سرمایه فرهنگی

بوردیو نه فقط تحصیلات و عادت‌ها و مهارت‌ها را سرمایه فرهنگی می‌داند، بلکه قابلیت استعداد و بازده آموزشی را از نتایج سرمایه‌گذاری فرهنگی محسوب می‌کند. بوردیو سرمایه فرهنگی را در قالب‌های زیر طبقه‌بندی می‌کند:

۱-۱-۵. سرمایه فرهنگی متجسد

خصایل دیرپای فکری و جسمی که در وجود فرد متبلور می‌شود.

۲-۱-۵. سرمایه فرهنگی عینیت یافته

شکل مادی سرمایه متجسد که به شکل کالاهای فرهنگی ای مشاهده می شود که ردپایی از نظریه ها و ایده هاست؛ مانند تصویرها کتابها و ادوات و ماشین آلات که انتقال پذیرند.

۳-۱-۵. سرمایه فرهنگی نهادینه شده

شکلی از عینیت یافتگی که در مدارج آموزشی و امتیازهای ضمانت شده نمایان می شود (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

۲-۵. سرمایه اقتصادی

این نوع سرمایه بی درنگ قابل تبدیل به پول است و امکان دارد به شکل حقوق مالکیت درآمد و حتی می تواند ماترک وارثان باشد.

۳-۵. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی یا بالقوه ای است که در نتیجه ایجاد شبکه ای از روابط کمابیش نهادینه شده ای همچون شناخت متقابل و آشنایی شکل گرفته اند. این شبکه نیز محصول راهبردهای سرمایه گذاری فردی یا جمعی و آگاهانه یا ناآگاهانه ای است و هدف، بازتولید روابطی اجتماعی است که می شود در درازمدت یا کوتاه مدت مستقیم از آنها استفاده کرد (همان: ۱۴۷-۱۴۹). حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه هایی است که او با آنها پیوند دارد و نیز به میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی و نمادینی بستگی دارد که اعضای مرتبط با او دارند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۸). این پیوندها می تواند در قالب روابط تصادفی و همسایگی و قداست طلبانه و هدایای قوام بخش، جا بگیرد (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۴۹).

۴-۵. سرمایه نمادین

این نوع سرمایه خود به تنهایی قابل درک نیست، بلکه باید از کنار هم نهادن سرمایه های قبلی که ذکرشان گذشت، ماهیت پیدا کند. گرنفل (۱۳۸۹: ۱۷۲) می نویسد:

این نوع سرمایه، فارغ از مفهوم ابزاری نهفته در واژه سرمایه، ارزش ذاتی دارد که همگام با انواع دیگر سرمایه قابل درک است. ارزش ذاتی آثار هنری، ارزشمندی فی نفسه دانش و فهم حقیقت، اشرافیت و اصالت، بنیادهای عظیم فرهنگی و مواردی از این نوع، همگی حامل سرمایه هایی نمادین در کنار سایر ابعاد سرمایه هستند.

۶. تطبیق نظریه بوردیو بر رمان دختران ریاض

چهار مؤلفه بوردیو، هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارد که برای انجام تحلیل در هر حوزه باید بدان‌ها توجه داشت.

۱-۶. سرمایه فرهنگی

بوردیو، سرمایه فرهنگی را به سه نوع تقسیم می‌کند (گلمرادی، ۱۳۹۴: ۱۶۹):

۱-۱-۶. سرمایه فرهنگی متجسد

در برشمردن سرمایه‌های متجسد می‌توان به خصلت‌های ذاتی افراد مثل اهل تفکر بودن، اعتماد به نفس داشتن، جسارت، انفعال، مذهب و اعتقادات دینی ذاتی‌شده، فرمانبرداری، ناپویایی، نگرش روشن‌فکرانه اشاره کرد.

میشل در رمان دختران ریاض، دختری تحصیل‌کرده و آگاه است. وی در جای‌جای رمان، آزادانه درباره حقوق زنان کشورش سخن می‌گوید. این شخصیت، دختری بی‌باک و نترس است که تمام سنت‌های متحجرانه جامعه عربستان را بدون در نظر گرفتن عواقب آن زیر پا می‌نهد. میشل باوجودی که در کشور عربستان، زنان بدون همراه داشتن محارم اجازه خروج از منزل را ندارند، آزادانه با دوستانش به هر مکانی رفت‌وآمد می‌کند و با وجود ممنوعیت رانندگی زنان، در خیابان‌های شهر رانندگی می‌کند (گودوین، ۱۳۸۳: ۸۵).

میشل که گواهینامه بین‌المللی رانندگی داشت، رانندگی یک جیب ایکس ۵ را به عهده گرفت. او این ماشین را که شیشه‌های کاملاً دودی داشت، از نمایشگاه اجاره خودرو به نام راننده حبشی‌شان کرایه کرده بود. لمیس کنار میشل نشست و پنج دختر دیگر در صدلی عقب نشستند. صدای ضبط را زیاد کردند و همراه با نوار، شروع به خواندن و رقصیدن کردند (الصانع، ۱۳۸۸: ۸).

میشل، زن آزادی است که حضوری پرشور در سایر عرصه‌های اجتماعی دارد و در تمام رفتار و حتی در پوشش، از دیگر شخصیت‌های زن رمان متفاوت است. او در جشن عروسی قمره، زمانی که تمام دختران پس از ورود داماد به سالن سعی می‌کنند خودشان را بپوشانند، بی‌توجه به نگاه‌ها و قضاوت‌های زنان حاضر در مجلس، به همان حالت قبل باقی می‌ماند و این عمل، سنت‌شکنی و ساختارشکنی این شخصیت را بیش از پیش به تصویر می‌کشد (همان: ۵). میشل حتی به همراه دوستش، لمیس، در خیابان‌های شهر لباس‌های پسرانه می‌پوشد. پوشش میشل و لمیس در این رمان بسیار آزادانه است، درحالی‌که

برداشت علمای سعودی از حجاب اسلامی، پوشاندن تمام بدن از جمله چهره و دست‌هاست و پلیس دینی عربستان همیشه بر این نوع پوشش زنان پافشاری می‌کند. همه دخترانی را که بیش از ده سال سن دارند، مجبور به پوشیدن روبنده می‌کنند. نیروهای مطوعین در مرکزهای خرید، رستوران‌ها، فروشگاه‌ها، معابر و گذرگاه‌ها گشت می‌زنند و زنانی را که حجاب موافق مقررات شرعی ندارند، دستگیر می‌نمایند (محمدی‌آشنانی، ۱۳۸۱: ۶۶).

در این رمان، شخصیت میشل هرچند به علت سنت‌شکنی‌های پی‌درپی، با فشارها و سخت‌گیری‌های جامعه عربستان روبه‌رو می‌آید و خسته و درمانده می‌شود، باز هم جسورانه تا پایان رمان به سنت‌شکنی و هنجارگریزی‌اش ادامه می‌دهد.

۲-۱-۶. سرمایه فرهنگی نهادینه

چهار شخصیت اصلی رمان (لمیس، میشل، سدیم، قمره) مدارک تحصیلی دانشگاهی دارند. لمیس دانشجوی پزشکی، میشل دانشجوی کامپیوتر، سدیم دانشجوی مدیریت، قمره دانش‌آموخته ادبیات است. نویسنده با ترسیم شخصیت‌های تحصیل کرده که سرمایه فرهنگی نهادینه‌شان، باعث شده حضور پرشوری در اجتماع داشته باشند، زمینه‌ای فراهم آورد تا این زنان با قوانین جامعه مردسالار سعودی که به سرمایه فرهنگی زنان روی خوش نشان نمی‌دهد، به مبارزه برمی‌خیزند. زنان سنتی این جامعه، دنیای ماورای خانه خویش را تجربه نمی‌کنند و از نظر دسترسی نداشتن به سرمایه نهادینه، در نوعی حبس قرار دارند، اما شخصیت‌های اصلی رمان، با هدفمند کردن سرمایه نهادینه خویش، زنان را به شکستن این قیدوبندها فرامی‌خوانند؛ چراکه «زن و مرد در ارزش‌های انسانی یکسان هستند و باید در آموزش زنان نیز جدیت به خرج داد و زمینه را برای حضور آنان در اجتماع فراهم نمود؛ زیرا اساس تمدن و پیشرفت، زنان‌اند» (امین، ۱۹۹۷: ۷۳).

سرمایه فرهنگی نهادینه در چهار شخصیت اصلی، آنان را به سنت‌شکنی سوق داده‌است، پس می‌توان این‌گونه استنباط کرد که در به‌کارگیری سرمایه نهادینه موفق بوده‌اند.

۳-۱-۶. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته

نویسنده در این رمان اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد؛ به عبارتی، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، به‌شکلی غالب بر فرم کلی داستان غلبه دارد. اساس رمان بر پایه رایانامه‌هایی

است که شخصیت اصلی از دوستانش دریافت می‌کند. او این سرمایه عینیت‌یافته را در خدمت آگاهی‌بخشی به جامعه قرار می‌دهد و تلاش دارد با «نوشتن» به اهداف خود در زمینه‌های اجتماعی و آگاهی‌بخشی به هم‌جنس‌های خویش دست یابد. نوشتن، نوعی اعتراض هم هست؛ اعتراض به نبود جایی برای شنیده شدن سخنان زنان. تک‌صدایی حاکم بر جامعه عربستان به عرصه سیاسی محدود نیست، بلکه در عرصه آزاداندیشی و آگاهی‌های اجتماعی هم مشکلات زیادی برای مردم و به‌خصوص زنان وجود دارد. «موا»، شخصیت آغازگر داستان که قصه‌های مربوط به شخصیت‌ها را او منتشر می‌کند، نه تنها «نوشتن» را که شکل عالی سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته است به خدمت گرفته، بلکه این نوشتن را رسالتی بر دوش خود می‌داند. نوشتن در این رمان، در خدمت آگاهی‌بخشی اجتماعی و فرهنگی قرار دارد.

۲.۶. سرمایه اجتماعی

خانواده یک نهاد مؤثر در سرمایه اجتماعی مثبت است که در این رمان دو شکل دارد. دسته اول، خانواده نوپایی است که قمره و راشد براساس ازدواج اجباری تشکیل می‌دهند. این خانواده که سرانجام به طلاق سوق داده می‌شود، نمادی از نتیجه دلخراش ازدواج اجباری دختران است. بی‌توجهی‌های راشد به قمره و خیانت به او، یکی از هزاران نمونه‌ای است که روزانه در جوامعی مانند عربستان اتفاق می‌افتد. اما دسته دوم، به خانواده‌های پدری این دختران تعلق دارد. خانواده لمیس که ارکان آن هر دو تحصیل کرده هستند، نمادی از موفقیت سرمایه فرهنگی نهادینه هستند که بهره‌برداری از این سرمایه باعث می‌شود اجازه دهند دخترشان در محیط علمی با شخص مناسب آشنا شود و زندگی خویش را آغاز کند. موفقیت لمیس در زندگی زناشویی تا حد زیادی به‌سبب درک پدرومادر تحصیل کرده‌اش از تغییر اوضاع اجتماعی و لزوم فرصت دادن به جوانان برای آغاز زندگی براساس علاقه‌مندی خودشان است. اما خانواده قمره سنتی است و پدرومادر قمره برخلاف پدرومادر لمیس، تحصیلات دانشگاهی ندارند و درباره ازدواج دخترشان اسیر سنت‌های قدیمی هستند. پس از شکست قمره در زندگی، خانواده‌اش تازه شروع به حمایت از دخترشان می‌کنند.

«حلقه دوستان» یک سرمایه مثبت اجتماعی است و نقش پررنگی در رمان دارد.

شخصیت‌های داستان، روابط صمیمانه‌ای با هم دارند و از حمایت دوستان خود برخوردار هستند؛ این سرمایه اجتماعی در جهت پیشرفت و حمایت از اعضای خویش حرکت می‌کند.

۱-۲-۶. خشونت؛ سرمایه اجتماعی منفی

در یک جامعه مردسالار با بافت سنتی که فرهنگ باستانی مبتنی بر سخت‌گیری‌های مذهبی حاکم است، زن نخستین قربانی خشونت است. اگر زندگی تک‌تک شخصیت‌ها را به تفصیل بررسی کنیم، شکل‌های مختلف خشونت خانگی، خشونت کلامی، خشونت سیستمی، خشونت پنهان و... قابل مشاهده است.

«ام‌نویر» زنی است که بچه‌ای دوجنسیتی به دنیا آورده‌است که اندامش ظرافت دخترانه‌ای دارد. فرزند ام‌نویر از سیزده‌سالگی به پوشیدن لباس‌های زنانه روی می‌آورد و سبب می‌شود پدرش به علت حسی که در جوامع عربی به دختران وجود دارد، بدون توجه به بیماری فرزندش، او را به شدت کتک بزند و پس از علیل و ناتوان کردنش، او و مادرش را ترک گوید و با همسر دومش زندگی کند. صانع با ترسیم رفتارهای خشونت‌آمیز همسر ام‌نویر، دربارهٔ خشم و مردسالاری موجود در کشور عربستان چنین می‌گوید:

نوری ظرافت زنانه خود را در برابر پدرش آشکار نمی‌کرد؛ زیرا از او بسیار می‌ترسید. اما پدرش حرف‌هایی را از همسایه‌ها شنیده بود. روزی از کوره دررفت و با خشم وارد منزل شد. به اتاق او رفت و با دست‌وپا شروع به کتک زدن او کرد تا اینکه قفسهٔ سینه و بینی و ساق پایش شکست. پدر، پس از این حادثه، خانه را برای همیشه ترک کرد تا دور از این منزل، با همسر دومش زندگی کند (الصانع، ۱۳۸۸: ۱۱).

صانع در رمانش علاوه بر خشونت فیزیکی، به خشونت پنهان مردان نیز اشاره دارد. میشل در کشور لبنان در صداوسیما مشغول کار است و علاقهٔ زیادی برای اجرای برنامه‌های تلویزیونی و حضور در برابر دوربین دارد، ولی به دلیل برخوردهای خودخواهانهٔ پدر و مخالفت وی، هیچ‌گاه نمی‌تواند خواسته‌اش را عملی سازد:

میشل کارهایش را به خوبی پیش می‌برد تا اینکه رسماً در مقام تهیه‌کننده در آن شبکه معرفی شد. ویژه‌برنامهٔ میشل را یک دختر لبنانی جوان اجرا می‌کرد. پدرش به دلیل آنکه این شبکه، ماهواره‌ای بود و نزدیکانشان در سعودی هم می‌توانستند آن را تماشا کنند، اجازه نداد میشل خودش این برنامه را اجرا کند (همان: ۱۱۷).

خشونت پدر میشل و ممانعت از رسیدن به خواسته‌اش، از نوع خشونت پنهان و از نوع اجتماعی آن به شمار می‌آید.

۲-۲-۶. کنترل؛ سرمایه اجتماعی منفی

محدودیت و کنترل هرگونه رفتار زنان، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌هایی است که رفتار قهرمانان داستان بر پایه واکنش به آن طراحی شده‌است. چهار شخصیت اصلی داستان، سنت شکن هستند؛ سنت‌های اجتماعی، قوانین موجود در سیستم قضایی، مردسالاری و عوامل دیگر، همگی در راستای افزایش محدودیت برای زنان هستند.

میشل زنی است که محدودیت‌های مبتنی بر سنت‌های جامعه را نمی‌پذیرد. این سنت‌ها گاه آن‌چنان قوی هستند که به شکل قانون درآمده‌اند. پشتوانه مذهبی حاکم بر این سنت‌ها، مقابله با این نوع کنترل را چند برابر دشوار می‌سازد. میشل با اینکه می‌داند در عربستان «ورود زنان بدون همراهی محرم به بسیاری از اماکن عمومی از جمله رستوران‌ها ممنوع است» (فهمیم کرمانی، ۱۳۷۹: ۱۸)، اما با دوست‌پسرش، فیصل، به قهوه‌خانه و رستوران می‌رود (الصانع، ۱۳۸۸: ۵۲).

لمیس، دیگر شخصیت داستان، به علت کنترل‌های سخت‌گیرانه جامعه عربستان، محیط مجازی را یگانه راه نقشه کشیدن برای پسران می‌داند. وی هنگام گپ‌وگفت‌های مجازی با مردان، رفتارهایی داشت که در محیط واقعی هرگز نمی‌توانست هیچ‌کدام از آن‌ها را انجام دهد (همان: ۸۸). لمیس، آشنایی با این محیط مجازی را به دوستانش نیز توصیه می‌کند. قمره، دوست لمیس، یکی دیگر از قربانیان کنترل است. قمره پس از طلاق، اجازه خروج از منزل را ندارد. نگاه‌های سنگین مردم و احتمال قرار گرفتن در معرض توهین برای یک زن مطلقه، خطری جدی است. این مشکلات باعث می‌شود شخصیتی مثل قمره، علاوه بر کنترل‌ها و محدودیت‌های بیرونی، به محدودیت‌های درونی خودخواسته تن دهد تا بهانه‌ای دست مردم ندهد. میشل به او پیشنهاد ورود به محیط‌های مجازی را می‌دهد. قمره پس از آشنایی با این فضا، بیشتر وقتش را با گپ‌وگفت و سرگرم شدن با مردان در محیط مجازی پر می‌کند؛ هرچند روش قمره در گفت‌وگوها به خوبی لمیس نیست، راهی برای التیام زخم‌های درونی‌اش است. واکنش زنان داستان در مقابل انواع کنترل‌ها، ترکیبی از پذیرش و عصیان است. در

آغاز، آنان مشغول زندگی عادی خود هستند و با جلو رفتن داستان، نشانه‌های عصیان ظاهر می‌شود. عصیان آنان در مقابل این وضع سخت‌گیرانه را می‌توان یک سرمایه اجتماعی مفید ارزیابی کرد و آن «تلاش برای بیدار ساختن و آگاه کردن جامعه ناآگاه» است. کامو (۱۹۶۳: ۲۴) در تأیید ارزشمند بودن عصیان می‌نویسد: «هر سنت‌شکنی و عصیانی، به‌گونه‌ای نهفته، یک ارزش را با خود به همراه خواهد داشت».

۳-۲-۶. ازدواج؛ سرمایه مشترک اجتماعی زن و مرد

ازدواج، یک مسیر طبیعی در زندگی زنان است و می‌تواند راهی برای به دست آوردن اختیارات و استقلالی باشد که در جوامع سنتی، دختران از آن محروم‌اند؛ به عبارتی، نقش حمایتی همسر می‌تواند در این فرایند، به بهبود وضع زن کمک کند، اما غلبه ازدواج‌های اجباری در عربستان، نه‌تنها این فرصت را از زنان سلب کرده، بلکه رنج آنان را دوچندان کرده‌است. «فرهنگ سنت‌گرا و مردسالار جامعه عربستان زیر فشار مجموعه‌ای از انتظارات یکسان، زن را به سلطه خود درآورده و سبب شده آنان همواره با چهره‌هایی فرودست، ستم‌دیده، تابع، قانع و رنج‌کشیده ترسیم شوند» (پورشهرام، ۱۳۸۷: ۴۹). صانع با تکیه بر چنین دیدگاهی، شخصیت‌های اصلی رمان را طراحی کرده‌است. قمره، شخصیت رنج‌کشیده‌ای است که در دوران جوانی به خواست پدر به ازدواج با پسری اهل نجد تن می‌دهد و زندگی و آینده‌اش تباه می‌شود. او نه‌تنها در ازدواجش حق تصمیم‌گیری نداشته، بلکه پیش از محرم شدن با همسرش، حتی یک بار هم او را ندیده‌است: «قمره، راشد را تا پیش از روزی که به هم محرم شدند، ندیده بود. آداب و رسوم خانواده قمره به خواستگار اجازه نمی‌داد تا عروس را پیش از عقد ببیند و به همین دلیل بین عقد و عروسی فقط دو هفته فاصله بود» (الصانع، ۱۳۸۸: ۲۹). طبیعی است چنین ازدواجی، از نظر احساس و عاطفه، لطفی برای زن نخواهد داشت. راشد، همسر قمره، علاوه بر آزار او، با رفتار بد و بی‌توجهی، دست به ازدواج مجدد با زنی ژاپنی می‌زند و امید اندک قمره را نیست و نابود می‌کند.

ازدواج در جامعه عربستان، پیش از آنکه یک رابطه و پیمان اخلاقی باشد، نوعی معامله و مبادله کالا به کالا است؛ معامله‌ای که در آن، زن، کالای زیبایی و جسم خود را و مرد، پول و دارایی خود را در میان می‌گذارد. از منظر مردان رمان، جذابیت یک دختر با زیبایی و جوانی‌اش تعریف می‌شود؛ بنابراین موقعیت سنی زنان در ازدواج اهمیت خاصی دارد؛

چراکه «معرف زنان، بیشتر، خصوصیات زیست‌شناختی آنان است تا دستاوردهای اجتماعی‌شان» (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۷۷).

در قطعه‌ای دیگر از رمان، مادر قمره، احساس می‌کند دخترش پس از طلاق بسیار پیر و چروکیده‌تر از سنش به نظر می‌رسد؛ به همین دلیل برای ازدواج مجددش نگران است چون از دیدگاه‌های سنتی و شیء‌انگارانه مردم کشورش اطلاع دارد. او تصمیم می‌گیرد قمره را برای عمل زیبایی صورت به لبنان ببرد تا شاید موقعیت بهتری برای ازدواج مجددش پیش آید:

در فصل تابستان، مادر قمره تصمیم گرفت که به همراه دخترش که چهره‌اش شکسته و بیشتر از سنش به نظر می‌رسید و بقیه خانواده، یک ماه به لبنان سفر کنند. در لبنان، قمره تسلیم برنامه‌های زیباسازی سمکره شد. کارش را با عمل زیبایی بینی شروع کرد. سپس به لایه‌برداری و تمیز کردن و جوان‌سازی پوستش پرداخت و زیر نظر متخصصان زیبایی اندام، رژیم غذایی سخت و تمرینات ورزشی را پی گرفت و در نهایت موهایش را زیر دست ماهرترین آرایشگران، کوتاه و رنگ کرد. قمره چند برابر زیاتر از قبلش به ریاض بازگشت (الصانع، ۱۳۸۸: ۸۶).

۴-۲-۶. کنترل درونی و بیرونی؛ سرمایه اجتماعی منفی

۴-۲-۶-۱. مردسالاری؛ مؤلفه بسیار قوی کنترل

در ادبیات داستانی معاصر، با وجود تحولات تازه، ردپای مردسالاری و قربانی شدن زنان آشکارا دیده می‌شود. صانع در رمان خود، خیلی از مشکلات زنان را در جوامع سنتی کشور عربستان بازتاب داده و بدبختی و مصائب آنان را به تصویر کشیده‌است؛ وی در رمان *دختران ریاض* به مشکلاتی مثل خشونت و تعدد زوج‌ها و ازدواج‌های نامناسب اشاره کرده‌است. تحقیقات به‌خوبی گویای آن است که در قرن بیستم و بیست‌ویکم، درحالی که زنان غربی، از بسیاری از حقوق برخوردار بودند، در جهان عرب، همچنان زنان وضع اسفباری داشتند و در بدترین وضع اجتماعی و فرهنگی به سر می‌بردند (السعداوی، ۲۰۰۶: ۲۹۱). صانع در خلال رمان خود، به‌زیبایی از این وضع اسفبار زنان عربستانی پرده برداشته‌است.

راشد، شخصیتی است که تمام حق و حقوق همسرش را پایمال می‌کند. وی قمره را که دختری جوان و ساکن شهر ریاض است، بدون هیچ‌گونه علاقه‌ای و صرفاً به دلیل اصرار

خانواده، تصاحب کرده و هستی وی را نیست و نابود می‌کند و او را از طبیعی‌ترین حقوق یک انسان محروم می‌سازد. راشد به کوچک‌ترین نیازهای همسرش توجهی نمی‌کند و زمانی که قمره به بی‌تفاوتی‌های او اعتراض می‌کند، رفتار بسیار ناشایستی با او دارد: چشم‌هایشان در یک لحظه وحشتناک به هم گره خورد. چشمان قمره پر از ترس و وحشت بود و چشمان راشد پر از خشم و غضبی که قمره تاکنون ندیده بود. راشد به سرعت از او دور شد و علی‌رغم اشک‌ها و عذرخواهی‌های قمره، از اتاق خارج شد. فردای آن روز، با اکراه و بی‌میلی به هتل بازگشت تا به فرودگاه بروند و به واشنگتن و سپس شیکاگو پرواز کنند (الصانع، ۱۳۸۸: ۱۵).

صانع در جای‌جای رمان، به سلطه‌گری و رفتارهای ناشایست مردان در جامعهٔ مردسالار عربستان در برخورد با زنان اشاره می‌کند. قمره در بخشی از رمان، سختی‌های زندگی زناشویی‌اش را به مادر خویش تعمیم می‌دهد و آن را یک قضیهٔ تمدنی و کهن بر خاسته از سالیان دور می‌شمارد که فرهنگ مردسالار عربی برایشان به ارمغان آورده‌است. قمره رفتار مستبدانهٔ همسرش را در برخورد با خودش، همانند رفتار پدر با مادرش می‌داند: «رفتار راشد با او، خیلی با رفتار پدرش با مادرش تفاوت نداشت» (همان: ۹۲).

چرخش نسل‌ها در این رمان، وضع زنان داستان صانع را به‌خوبی نشان می‌دهد. در دیدگاه صانع، فرهنگ مردسالار، همچنان همزاد زن عرب است؛ همزادی که در طول اعصار و دوران‌ها هر بار خود را به‌شکلی جدید نمایان می‌سازد. نویسنده در اثر خود، با نمایش زنان بیچاره و درمانده‌ای همچون قمره و مادرش، ظلمی را به تصویر می‌کشد که جامعهٔ مردسالار عربی در حق زنان مظلوم رومی دارد. نکتهٔ قابل توجه این است که رئالیسم حاکم بر رمان صانع، هرگونه نقش رمانتیک را از وجود زن می‌گیرد و بیش از همه، خشونت و بدبختی و زجر کشیدن را به رخ خواننده می‌کشد. در این رمان، صانع با بیان مشکلات زندگی زناشویی قمره و راشد، راشد را نمادی از سلطه و هیبت می‌داند و این چنین تسلط مرد و ضعف و ستم‌پذیری زن را ترسیم می‌نماید. گویی صانع معتقد است «نادیده انگاشتن زنان در جوامع سنتی، بی‌توجهی به احساسات آنان و قرار دادنشان در حجاب‌های مردسالاری، آنان را به موجوداتی ضعیف، نیازمند و درنهایت جنس دوم بدل ساخته‌است» (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

صانع با نمایش دادن مردسالاری ریشه‌دار و ادامه‌دار در جوامع سنت‌گرای عربی، نشان می‌دهد این معضل با گذشت سال‌ها هنوز هم تغییری نکرده و زنان عربستانی همواره در رنج زندگی با مردان مستبد قرار دارند؛ به تعبیر وادی (۱۹۷۱: ۲۱۷) «وضع زن عرب، مانند زخمی است که هیچ‌گاه التیام نمی‌یابد». اساساً «زن در جامعه مردسالار عربی همانند شن خیزی است بر ساحل، که مرد روی آن راه می‌رود و او را زیر قدم‌هایش له می‌کند و اثر قدم‌هایش را بر آن برجای می‌گذارد» (زیدان، ۱۹۹۶: ۳۱۴).

۳-۶. سرمایه اقتصادی

زنانی که در رمان دختران ریاض با آنان روبرویم، از طبقه مرفه عربستان هستند. به‌طور کلی بحث بر سر فقر یا مشکلات اقتصادی در این داستان، جایگاه چندانی ندارد؛ لباس و امکانات و وضع مالی که درباره هر کدام از شخصیت‌ها بیان شده، نشان می‌دهد که آنان، زندگی نسبتاً مقبولی دارند. این کم‌توجهی به موضوعات اقتصادی، به این معنی نیست که مشکلاتی مثل فقر و نداری در عربستان وجود ندارد؛ زیرا در هر جامعه‌ای به طور قطع، طبقات فرودست از نظر معیشتی وجود دارد، اما نویسنده عامدانه از این موضوع چشم‌پوشی کرده تا بگوید زنان عربستانی با وجودی که ممکن است رفاه مالی نسبی یا حتی عالی داشته باشند، بازهم این رفاه، گرهی از اوضاع اسفناک اجتماعی‌شان باز نمی‌کند. زنان طبقه مرفه را نمی‌توان طبقه‌ای دانست که حقوق اجتماعی متمایزی از زنان دیگر طبقات دارند؛ رنجی که زن در عربستان با آن روبه‌روست، از جنس مشکل اقتصادی نیست، بلکه به دیگر جنبه‌های زندگی مرتبط است که در بخش سرمایه نمادین به آن پرداخته می‌شود.

۴-۶. سرمایه نمادین

سرمایه نمادین، بعدی معنوی است که در کنار دیگر سرمایه‌ها به دست می‌آید. «عشق» یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های نمادین برای زن در تمام زندگی است و موضوع اصلی این رمان. چهار شخصیت اصلی که هر کدام زندگی متفاوتی نسبت به دیگران دارند، بهره‌مندی‌شان از سرمایه نمادین عشق، متغیر است. لمیس که در دیگر ابعاد سرمایه، سهم مثبت داشت، بیشترین سرمایه نمادین را دارد و دارای حمایت خانواده (سرمایه اجتماعی) و تحصیلات (سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته) و اوضاع مناسب مالی (سرمایه اقتصادی) است، اما شخصیتی

مانند قمره، باوجود سرمایه اقتصادی و فرهنگی عینیت یافته، به علت عدم برخورداری از شاخصه خانواده مناسب و اجبار در ازدواج، بازتولید سرمایه هایش در بعد نمادین دچار مشکل می شود. سدیم نیز اقبالی بهتر از قمره ندارد؛ نامزدش او را ترک می کند و نخستین تجربه او در عرصه سرمایه نمادین با شکست مواجه می شود. فرصت های میشل نیز در استفاده از سرمایه نمادین عشق برای ازدواج، هر دو بار ناکام می ماند.

جلوه های زنانه، مؤلفه دیگری است از سرمایه نمادین؛ اگر بتوان بهره مندی از این جلوه ها را با توجه به مشکلات مالی در نظر گرفت، هر چهار شخصیت قادرند جلوه های زنانه خود را از لحاظ اقتصادی تأمین کنند، اما اگر همین سرمایه نمادین با سرمایه اجتماعی مقایسه شود، به جز لمیس، دیگران نمی توانند از آن بهره چندان به دست آورند که ریشه اش به ضعف در سرمایه اجتماعی - یعنی نهاد خانواده و کنترل های درونی و بیرونی و سنت های کهنه جامعه - برمی گردد.

در این رمان، سنت نمادین مادری تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر سلطه پدرها قرار دارد. مادرهای رمان، باوجود دلسوزی، به دلیل نداشتن سرمایه عینیت یافته و قدرت اجتماعی، در بهره مند کردن دختران خود از این سرمایه نمادین ناتوان هستند. خود مادران دچار ضعف در تمام ابعاد سرمایه اند، و به جز مادر لمیس که تحصیل کرده است و خود درآمد مستقل دارد، دیگر مادرهای داستان، نه تحصیلات مناسب دارند و نه قادرند در برابر خشونت ها و کنترل های اجتماعی واکنش مناسب نشان دهند. این موضوع باعث شده خودشان هم از سرمایه نمادین در عرصه عشق و ازدواج و... بهره چندان نداشته باشند.

۷. نتیجه

اگر هر کدام از مؤلفه های نظریه بوردیو را چینه های تشکیل دهنده وضع زنان در عربستان در نظر بگیریم، ویژگی های زیر برای این چهار چینه تصویرپذیر است:

۷-۱. سرمایه فرهنگی

در این بخش، دختران حاضر در رمان، موقعیت مناسبی دارند. هر چهار نفر تحصیل کرده هستند و از نظر تسلط بر مفاهیم و اعتقادات اخلاقی و خانوادگی و... وضع مقبولی دارند. در مقابل، نسل قبلی - یعنی مادران این دختران جوان - در هر سه زمینه سرمایه فرهنگی - یعنی سرمایه متجسد و عینیت یافته و نهادینه شده - با مشکل مواجه هستند.

۲-۷. سرمایه اجتماعی

پررنگ‌ترین مؤلفه رمان، مؤلفه اجتماعی است. وضع این سرمایه به‌گونه‌ای است که دیگر سرمایه‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده‌است. شخصیت‌های اصلی رمان که در سیر بررسی مشخص شد، دارای سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی مناسبی هستند، در عرصه سرمایه اجتماعی بیش از هر چیز با سرمایه‌های محدودشده و منفی مواجه هستند. مردسالاری و خشونت که اهرم‌های کنترل در جامعه عربستان است، به‌حدی قوی و مؤثر است که بهره‌مندی زنان را از سرمایه‌های اجتماعی خود به شدت دچار مشکل کرده‌است.

۳-۷. سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی زنان در رمان دختران ریاض وضع مناسبی دارد و هیچ‌کدام از شخصیت‌ها دچار فقر نیستند و مشکلاتی که برایشان به وجود می‌آید، تحت تأثیر ضعف در سرمایه اقتصادی نیست. نویسنده به‌عمد شخصیت‌های خود را از طبقه مرفه جامعه انتخاب کرده تا تأثیر نقش ضعف را در سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر عامل اقتصادی مقدم بدارد.

۴-۷. سرمایه نمادین

چهارمین عامل، یعنی سرمایه نمادین، در زندگی شخصیت‌های رمان، ضعف بارزی است و دلیل اصلی اش ضعف سرمایه فرهنگی و اجتماعی در نسل گذشته زنان و سرمایه‌های اجتماعی منفی در نسل جدید است؛ به عبارتی، سرمایه‌های زنان در عرصه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، در مجموع نمی‌تواند به تولید سرمایه نمادین منجر شود، و مهم‌ترین مشکل هم وجود کنترل‌های اجتماعی و خشونت‌های پیدا و پنهانی است که قهرمانان داستان همواره با آن مواجه هستند.

منابع

- امین، قاسم (۱۹۹۷)، *الأعمال الكاملة*، تحقیق محمد عماره، مصر، دارالشرق.
- آبوت، پاملا، و کلر والاس (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران، نی.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۹)، *شکل‌های سرمایه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، به کوشش کیان تاج‌بخش، چاپ سوم، تهران، تیرازه.
- پورشهرام، سوسن (۱۳۸۷)، «پژوهشی نو در شعر فروغ فرخزاد»، *فصلنامه بهار ادب*، سال اول، شماره ۲، صص ۱۱۰-۱۱۲.

- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی اعتماد؛ دموکراسی و توسعه*، تهران، شیرازه.
- توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴)، «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶، صص ۱-۳۲.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۲، صص ۳-۴۴.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸)، *تبیین و تحلیل فمینیسم*، تهران: طهورا.
- ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۸۸)، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زبان پیر بوردیو»، *مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۱۶، صص ۱۵۵-۱۸۶.
- زیدان، جورجی (۱۹۹۶)، *مصادر الأدب النسائي في العالم العربي الحديث*، بیروت، دار المرکز.
- السعداوی، نوال (۲۰۰۶)، *چهره عریان زن عرب*، ترجمه مجید فروتن و رحیم مرادی، تهران، روز.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۲)، «سنجش سرمایه اجتماعی دانشجویان پیام‌نور خراسان جنوبی و عوامل مؤثر بر آن»، *مجله جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، شماره ۹، صص ۹۳-۱۱۴.
- الصانع، رجاء (۱۳۸۸)، *دختران ریاض*، ترجمه زرین‌دخت بروجردیان، تهران، علم.
- العقیلی، عبدالله (۱۴۲۶)، «رجاء الصانع»، *جريدة الشرق الأوسط*، العدد ۸.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۷۴)، «درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر و ادبیات»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۷ و ۸، صص ۱۰۷-۱۳۳.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴)، «پیر بوردیو: پرسمان دانش و روشن‌فکری»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۵، صص ۱۴۱-۱۶۱.
- فهیم کرمانی، مرتضی (۱۳۷۹)، *چهره زن در آیین تاریخ اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فیلد، جان (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه جلال متقی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش.
- کامو، آلبر (۱۹۶۳)، *الإنسان المتمرد*، تعریب نهاد رضا، بیروت، منشورات عویدات.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹)، *مفاهیم کلیدی بوردیو*، ترجمه محمدمهدی لیبی، چاپ اول، تهران، افکار.
- گلمرادی، صدف (۱۳۹۴)، «نقد جامعه‌شناختی سرمایه‌های اجتماعی فرهنگی زنان در رمان *دل فولاد* اثر منیرو روانی‌پور»، *فصلنامه نقد ادبی*، دانشگاه تربیت‌مدرس، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۶۷-۱۹۱.
- گودوین، ویلیام (۱۳۸۳)، *عربستان سعودی*، ترجمه فاطمه شاداب، تهران، شمشاد.
- محمدی‌آشنانی، علی (۱۳۸۱)، *شناخت عربستان*، تهران، مشعر.
- وادی، طه (۱۹۷۱)، *صورة المرأة في الرواية المعاصرة*، قاهره، مرکز کتب الشرق الأوسط.

